

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلام ۱۹

ایمان به قضا و قدر

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و
اما بعد :

ارکان ایمان شش تا هستند و دلیل بر آن این فرموده الله
تعالی می باشد: ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ
الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾ (بقره ۱۷۷)

یعنی: نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و
مغرب کنید بلکه نیکی این است که به الله، روز آخرت،
ملائکه، کتابها و پیامبران ایمان داشته باشید. و از سنت
حدیث جبریل است که از پیامبر ج سؤال می کند و می
گوید: «أَخْبَرَنِي عَنْ الْإِيمَانِ قَالَ أَنْ تُوْمِنَ بِاللّٰهِ
وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُوْمِنَ
بِالْقَدَرِ خَيْرٌ وَشَرُّهُ قَالَ صَدَقْتَ.» متفق علیه: بخاری
(۵۰) و مسلم (۸).

«مرا از ایمان خبر ده، ایشان فرمودند: ایمان عبارت است از
این که ایمان بیاوری به یگانگی خدا، به ملائکه، به پیامبران،
به روز قیامت، به سرنوشت؛ (یعنی تقدیر)، و ایمان بیاوری به
خیر و شر آن. گفت: راست گفتمی.»

حال به بررسی ایمان به "قضا و قدر" و چگونگی آن
خواهیم پرداخت.
قضا در لغت به معنی حکم کردن و جدایی انداختن است.

و در شریعت اسلام به آنچه الله سبحانه و تعالی در خلقتش از
به وجود آوردن، نابود کردن یا تغییر دادن حکم می کند،
قضا گفته می شود.
قدر در شریعت یعنی آنچه الله تعالی در ازل آن را اندازه
کرده و خلقتش را بر علمی که در ازل به آن داشته، بنا کرده
است.

تفاوت بین قضا و قدر:

علما در تفاوت بین قضا و قدر بیان داشته اند که قدر یعنی
اندازه کردن برای چیزی قبل از واقع شدن آن و قضا یعنی
دست کشیدن از چیزی است. و از دلایلی که ابوحاتم برای
تفاوت بین قضا و قدر ذکر کرده این است که قدر به منزله
مشخص کردن اندازه لباس توسط خیاط است و او قبل از
بریدن اندازه آن مشخص می کند از آن کم و یا زیاد می
کند. هنگامی که آن را برید آن را پایان داده و از آن فارغ
شده و اندازه آن را تمام کرده است. بر این اساس قدر قبل از
قضا است.

ابن کثیر می گوید: (فالقضاء والقدر أمران متلازمان
لا ينفك أحدهما عن الآخر لأن أحدهما بمنزلة
الأساس وهو القدر، والآخر بمنزلة البناء وهو
القضاء فمن رام الفصل بينهما فقد رام هدم
البناء ونقضه) «قضا و قدر دو امر هستند که ملازم هم می
باشند هیچکدام از دیگری جدا نمی شود یکی از آنها که قدر
باشد به منزله پایه و اساس و دیگری که قضا باشد به منزله
بنای آن است کسی که بخواهد بین این دو جدایی اندازد بنا
را نابود کرده و آن را از بین برده است.»

قضا و قدر هنگامی که در بیان جمع شوند در معنی با هم تفاوت پیدا می کنند و برای هر کدام از آنها معنی مخصوص به خود آشکار می شود و هنگامی که در بیان آنها را از هم جدا کنیم یکی از آنها در معنی دیگری داخل می شود. این را بعضی از اهل علم ذکر کرده اند.

مسلمان به قضا و قدر الهی و حکمت و مشیت او ایمان دارد. همچنین اعتقاد دارد که هیچ امری حتی افعال اختیاری انسان تحقق پیدا نمی کند مگر اینکه در علم خدا موجودند، و خداوند قبل از آفرینش آنها، آن اعمال را مقدر کرده است، و نیز بر این باور است که قضا و قدر الهی کاملاً مطابق و هماهنگ با موازین عدل و انصاف است.

خداوند در تصرفات خودش، حکیم است یعنی هیچ تصرفی از سوی او خالی از نفع و سود برای بنده اش نمی باشد، حکمت او تابع مشیت اوست، آنچه را که بخواهد، بوجود می آید و آنچه را نخواهد، تحقق پیدا نمی کند.

هیچ بازدارنده ای از بدیها و هیچ توفیق دهنده ای به نیکیها غیر از خدا، وجود ندارد، «لا حول ولا قوة إلا بالله» این عقیده مسلمان درباره قضا و قدر الهی نیز بر گرفته از دلایل عقلی و نقلی است که بشرح آنها می پردازیم.

دلیل بر اثبات قدر:

ایمان به قدر رکنی از ارکان ایمان است و کتاب و سنت بر اثبات و بیان آن دلالت دارند. الله تعالی در کتابش می فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر ۴۹)

«بی گمان ما هر چیزی را به اندازه مقرر آفریده ایم» و می فرماید: «وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا» (احزاب ۳۸) «و امر و فرمان خدا همواره به اندازه مقرر است» و می فرماید:

«وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (فرقان ۲)

«و هر چیزی را آفریده و اندازه ای که در خور آن بوده مقرر کرده است».

و اما سنت نیز همچنین بر اثبات قدر دلالت دارد در احادیث بسیاری از جمله حدیث جبریل و سؤال او از پیامبر صلی الله علیه وسلم در باره ارکان ایمان آمده که از جمله ارکان ایمان، ایمان به قدر چه خیر باشد یا شر ذکر شده است که حدیث همراه با نص آن در مبحث ملائکه تقدیم شده است. مسلم در صحیحش از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت کرده که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده که فرمود: «كُتِبَ لِلَّهِ مَقَادِيرُ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِخَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ قَالَ وَعَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» «خداوند اندازه مخلوقات را پنجاه هزار سال قبل از اینکه آسمانها و زمین را خلق کند، نوشته است و فرمود: و عرش او بر آب قرار دارد». مسلم (۲۶۵۳).

ایمان به قدر محل اجماع امت از صحابه و کسانی که بعد از ایشان آمده اند، می باشد. مسلم در صحیحش از طائوس روایت می کند که او گفت: (أدرکت ناسا من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم يقولون كل شيء بقدر) «جمعی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم را دریافتم

که می گفتند همه چیز به قدر است». و گفت از عبدالله بن عمر شنیدم که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «كُلُّ شَيْءٍ بِقَدَرٍ حَتَّى الْعَجَزِ وَالْكَبِيرِ أَوْ الْكَبِيرِ وَالْعَجَزِ» «همه چیز حتی زیرکی و ناتوانی در تقدیر نوشته شده است». مسلم (۲۶۵۵).

امام نووی می گوید: (تظاهرت الأدلة القطعية من الكتاب والسنة وإجماع الصحابة وأهل الحل والعقد من السلف والخلف على إثبات قدر الله سبحانه وتعالى) «دلایل قطعی از کتاب و سنت، اجماع صحابه و اهل رأی از سلف و خلف بر اثبات قدر الله تعالی همدیگر را کمک می کنند».

دلایل عقلی:

۱- هیچیک از مسایل قضا و قدر، مشیت و حکمت الهی، اراده و تدبیر او منافی با عقل و موازین عقلی نیست، بلکه عقل، همه این موارد را واجب و ضروری می داند. زیرا مظاهر و مصادیق انکار ناپذیر آنها در جهان هستی هویدا است.

۲- ایمان به خدا مستلزم ایمان به قضا و قدر و اراده و مشیت او می باشد.

۳- وقتی که مهندس، نقشه ساختمانی را بر روی کاغذ رسم می کند، مدت زمان ساختن آنرا نیز تعیین (پیش بینی) می کند، بعد شروع به ساختن آن می نماید، و تقریباً در مدت زمان تعیین شده، ساختمان مورد نظر، بدون کم و کاست و مطابق نقشه خود، ساخته شده و تجسم عینی بخود می گیرد.

با توجه به این مثال، چگونه می توان در مورد قضا و قدر الهی که مقیاس و اندازه هر چیزی را از قبل مشخص نموده، تردید کرد؟

آری! بدلیل کمال قدرت و علم خداوند، جهان هستی مطابق آنچه که خدا در نظر داشته تجسم عینی یافته است و کوچکترین قصوری در آن دیده نمی شود.

مراتب قدر:

قدر چهار مرحله دارد که نصوص بر آن دلالت دارند و اهل علم به آن تصریح کرده اند و آن عبارت است از:

مرتبۀ اول: خداوند به همه چیز از هستی ها، نیستی ها، چیزهای احتمالی، از چیزهای محال علم دارد و علم او همه چیز را در بر گرفته است. آنچه هست، آنچه خواهد شد و آنچه نمی شود و آنچه می شود و چطور خواهد شد همه را با علم همیشگی و ابدی خود می داند. و دلیل بر آن این فرموده الله تعالی است: ﴿لَتَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَّ اَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق ۱۲)

«تا بدانید خداوند بر همه چیز تواناست و علم او همه چیز را در بر گرفته است».

در صحیحین از ابن عباس م روایت است که گفت: «سُئِلَ عَنْ اَوْلَادِ الْمُشْرِكِيْنَ فَقَالَ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا كَانُوْا عَامِلِيْنَ» «از رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره اولاد مشرکین (که مرده اند) سوال شد. فرمود: «خداوند بهتر می

داند که (اگر زنده می مانند) چه عملی انجام می دادند». بخاری (۱۳۸۴)، وصحیح مسلم (۲۶۵۹)

مرتبۀ دوم: الله تعالی آنچه را که تا روز قیامت خلق شدنی است نوشته است. الله تعالی می فرماید: ﴿اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّ ذٰلِكَ فِی کِتٰبٍ اِنَّا ذٰلِكَ عَلٰی اللّٰهِ یَسِرُّ﴾ (حج ۷۰)

«آیا نمی دانی که خداوند آنچه را که در آسمان و زمین است میداند؟ بی گمان (همه) این در کتابی (نوشته) است. (بدانید) که این بر خداوند آسان است».

و می فرماید:

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ اُحْصِیْتُهُ فِیْ اِمَامٍ مُّبِیْنٍ﴾ (یس ۱۲)

«و همه چیز را در کارنامه ای روشن حساب کرده ایم»

و از سنت حدیث عبدالله بن عمرو بن عاص که پیشتر گذشت آمده بود که خداوند اندازه مخلوقات را پنجاه هزار سال قبل از اینکه آسمانها و زمین را خلق کند، نوشته است.

مرتبۀ سوم: اراده و خواست خداوند است هر چه که بخواهد می شود و آنچه را که نخواهد نمی شود.

الله تعالی می فرماید: ﴿اِنَّمَا اَمْرُهُ اِذَا اَرَادَ شَيْْءًا اَنْ یَقُوْلَ لَهُ كُنْ فَیَكُوْنُ﴾ (یس ۸۲)

«چون امر او به چیزی اراده کند همین که به او بگوید باش، به وجود می آید»

و می فرماید: ﴿وَمَا تَشَآءُوْنَ اِلَّا اَنْ یَشَآءَ اللّٰهُ رَبُّ اَلْعٰلَمِیْنَ﴾ (تکویر ۲۹)

«و نمی توانید چیزی بخواهید مگر آنچه پروردگار جهانیان بخواهد».

شیخین از ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «لَا یَقُوْلُنَّ اَحَدُکُمْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ اِنْ شِئْتَ اللّٰهُمَّ اَرْحَمْنِیْ اِنْ شِئْتَ لَیَعْزِمَ فِی الدَّعَآءِ فَاِنَّ اللّٰهَ صَانِعَ مَا شَآءَ لَا مَكْرَهَ لَهُ»

«هیچ یک از شما نگوید: خدایا! اگر خواستی، مرا مغفرت کن. خدایا! اگر خواستی، بر من رحم فرما. بلکه بطور قطع و یقین، بخواهد. زیرا هیچ کس نمی تواند خدا را به کاری مجبور کند». بخاری (۶۳۳۹)، وصحیح مسلم (۲۶۷۹)

مرتبۀ چهارم: خداوند خالق و پدید آورنده همه اشیاء و قدرت او بر آن تمام و کامل است. خداوند خالق هر عمل کننده و عملش، محرک و حرکتش، ساکن و سکونش می باشد.

الله تعالی می فرماید: ﴿اللّٰهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ وَکِیْلٌ﴾ (زمر ۶۲)

«خداوند خالق همه چیز است و او بر همه چیز نگهبان می باشد»

و می فرماید: ﴿وَاللّٰهُ خَلَقْکُمْ وَمَا تَعْمَلُوْنَ﴾ (صافات ۹۶)

« حال آنکه شما و آنچه را که انجام می دهید خداوند آفریده است».

بخاری در صحیحش از عمران بن حصین روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «كَانَ اللَّهُ وَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ غَيْرُهُ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ وَكَتَبَ فِي الذِّكْرِ كُلِّ شَيْءٍ وَخَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ» خداوند، وجود داشت و چیزی غیر از او، وجود نداشت و عرش خدا روی آب، قرار داشت. او تقدیر همه کائنات را در لوح محفوظ نوشت. و آسمانها و زمین را آفرید». بخاری (۳۱۹۱).

ایمان به این چهار مرحله برای درست شدن ایمان به قدر واجب است و هرکس چیزی از آن را انکار کند ایمان به قدر تحقق پیدا نمی کند. و الله تعالی اعلم.

ثمرات ایمان به قدر:

تحقق پیدا کردن ایمان به قدر، نتایج و آثار سودمندی در زندگی انسان مؤمن دارد که از آن جمله:

۱. بر خداوند اعتماد کردن هنگام انجام کاری. زیرا او اسباب و مسببات را مقدر کرده است.
۲. بنده به آرامش و راحتی قلب می رسد هنگامی که بفهمد که هر چیزی در قضا و قدر الهی قرار دارد.
۳. از بین رفتن خود پسندی و غرور هنگام رسیدن به خواسته و آرزو. زیرا رسیدن به آن را نعمتی از طرف خداوند به آنچه از اسباب خیر و رستگاری برای او مقدر کرده است

می داند پس خداوند را شکر می کند و از غرور و خود پسندی دور می شود.

۴. دوری از آشفتگی و ملالی هنگام از بین رفتن خواسته و آرزو یا به وجود آمدن ناراحتی زیرا آن را از قضا و قدر الله تعالی می داند پس بر آن صبر می کند و مأجور گردد.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.